

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور تعداد کارگران دارای معوقات مزدی را ۹۷ هزار و ۳۰۰ نفر اعلام کرده است. حسن صادقی گفته این تعداد نیروی کار در ۴۰۰ واحد تولیدی به فعالیت مشغول اند و همگی در شب عید با مشکلات معوقات مزدی و عیدی روبه‌رو هستند. به گفته صادقی، بسیاری از این ینگاه‌ها، توان پرداخت معوقات مزدی نیروهای کار خود را ندارند و بر همین اساس موضوع به وزیر کار و و رئیس سازمان برنامه و بودجه انعکاس داده شده است. آن طور که صادقی گفته، پیشنهاد شده به این ینگاه‌ها وام تعلق گیرد تا تا به هریک از کارگران دارای معوقات مزدی، دست کم دو ماه دستمزد به‌صورت یکجا پرداخت شود.

یکشنبه ● ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و چهار

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

گفت‌وگو با اصغر آهنی‌ها، نماینده بخش کارفرمایی در شورای عالی کار در زمینه دستمزد ۹۸

هم معیشت کارگران مهم است هم بقای کارگاه‌ها

بن کالاهای اساسی که کارفرما می‌دهد، در یک حساب‌واریز شود، سپس از محل این حساب کالاهای اساسی با ارز ۳۲۰۰ تومانی تامین شده و از طریق تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها به‌صورت ماهانه میان کارگران توزیع شود. اگر به‌صورت میانگین ۳۵۰ هزار تومان کالاهای اساسی به کارگران داده شود، ارزش بیرونی آن به مراتب بیشتر خواهد بود، چراکه مشکلات افراد حل شده و ارتزاق آنان وضعیت مناسبی خواهند داشت.

■ **اگر این اعداد به‌صورت ریالی پرداخت شود، چه اتفاقی خواهد افتاد؟**

اگر صنایع کوچک، خرد و متوسط دستمزدی بین ۲۵ تا ۳۵ درصد و حتی ۵۰ درصد بدهند، این نرخ در نهایت زمینه‌ساز گرانی دوباره کالا خواهد شد که به نوبه خود، باعث می‌شود میالنی که کارگران دریافت می‌کنند دود شده و اثر بخشی اقتصادی خود را از دست بدهد. بنابر چنین ملاحظاتی، پیشنهاد ما، مدل اول است، به این معنی که کالاهای اساسی با ارز مرجع به‌صورت مستقیم و با پولی که کارفرما در ستاد بُن تامین می‌کند، تهیه‌ود در سال ۹۸ توزیع شود. معتقدم این روش، زندگی و معیشت کارگران را بهبود خواهد بخشید.

■ **موضع دولت چیست؟**

ما پیشنهاد خود را ارائه کردیم و در جلسه بعد هم در این باره شفاف‌تر صحبت خواهیم کرد. در نهایت باید دید نگاه دولت و کارفرما چیست. اما اگر این مدل پیاده نشود، هر طور که پیش برود، آثار و لطماتی که بر دولت و تولید خواهد گذاشت، بسیار زیاد خواهد بود.

■ **به‌نظر می‌رسد موضع بخش کارگری در زمینه حقوق و دستمزد محکم است. آنان معتقدند نه تنها از سال‌های گذشته عقب‌ماندگی داریم، بلکه اکنون هم تورم نزدیک به ۴۰ درصد است. آیا در جلسات با این مواضع روبه‌رو بودید؟**

از آنجا که ساختار تعیین مزد در کشور، مبتنی بر چانه‌زنی است، هم حفظ بقای کارگاه‌ها مهم است و هم باید مشکلات معیشتی کارگران را حل کرد و از سوی دیگر امنیت اقتصاد و ادامه حیات اقتصادی کشور را باید لحاظ کرد، با توجه به همه این مسائل، باید تصمیم‌گیری شود. اما اگر تصمیم‌درستی گرفته نشود، کارگران ما خسران خواهند دید و نمی‌توان با پول، این خسران را حل کرد.

■ **این خسران چه می‌تواند باشد؟**

اگر عدد و رقمی برای دستمزد معین شود که تاب‌آوری کارگاه‌ها را زیر سوال ببرد و ادامه حیات آن‌ها با مشکل روبه‌رو شود، با افزایش تورم، پس از مدتی ارزش ریالی دستمزد هم کم خواهد شد و اثر اقتصادی خود را از دست خواهد داد. این مدل، چرخه‌ای است که طی سال‌های گذشته بر روش افزایش حقوق غالب بوده و نتیجه‌اش را دیدیم که با یک بحران اقتصادی، همه زحمات از بین می‌رود.

■ **یک دیدگاه هم این است که کارگاه‌های کوچک و متوسط با کارگاه‌های بزرگ که عمدتاً دولتی هستند، تفکیک شوند، آیا این ایده هم مطرح شد؟**

در سال گذشته بحثی مطرح شد که باید مغازه را از یک کارخانه یا خدمات را از بخش کشاورزی جدا کنیم، اما یا به‌دلیل نبود تمایل، یا فقدان اطلاعات صحیحی که بتوان بر مبنای آن تصمیم‌گیری کرد، این مسئله محقق نشد. در حالی که ما مراکز پژوهشی بسیاری در کشور داریم ولی متأسفانه تاکنون اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

■ **برخی نمایندگان پیشنهاد افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی حقوق و دستمزد را مطرح کردند.**

نمایندگان محترم مجلس بسیار برای ما عزیز هستند، اما

● **شادی محقق**

● **روزنامه‌نگار**

اصغر آهنی‌ها، نماینده بخش کارفرمایی در شورای عالی کار، در زمینه تعیین دستمزد قائل به نوعی چانه‌زنی است، چانه‌زنی که در آن، هم معیشت کارگران تامین شود و هم واحدهای تولیدی بتوانند به حیات خود، آن هم در این شرایط اقتصادی، ادامه بدهند. او اما فارغ از مسئله دستمزد، راه‌حل دیگری برای رفع مشکلات معیشتی کارگران ارائه می‌دهد. به این ترتیب که کالاهای اساسی موردنیاز کارگران با ارز مرجع تامین شود و سپس از طریق تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها به کارگران پرداخت شود. او می‌گوید در این صورت هم به لحاظ ریالی و هم کالایی، سود زیادی عاید کارگران خواهد شد. دیدگاه‌های نماینده بخش کارفرمایی برای تعیین حقوق و دستمزد را در ادامه می‌خوانید.

■ **مذاکرات در چه مرحله‌ای است، آیا توافقی حاصل شده است؟**

در ادامه روند مذاکرات، با جمع‌آوری اطلاعات لازم، هزینه سبد خانوار را محاسبه و در جلسه ارائه کردیم که عیناً به‌تصویب رسید. سبد خانوار روزانه ۲۴۷ و ۱۰۰ به‌زای هر نفر محاسبه شد و اگر این عدد را در ۲/۴ ضرب کنیم، عدد ماهانه هزینه خوراکी به ۹ میلیون و ۹۲۴ هزار و ۴۹۰ ریال می‌رسد. کالاهای اساسی با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شوند، اما متأسفانه به‌دلیل خطا در توزیع، عملاً مردم به‌ویژه کارگران سودی از آن نمی‌برند و هزینه سبد خانوار در نهایت مبلغ بالایی می‌شود. در حالی که اگر اقلام اساسی تهیه‌شده به‌صورت معقول و از مجرای صحیح توزیع می‌شد، این عدد بسیار کمتر بود. اما در مجموع، برای سبد خانوار به عددی بیش از سه میلیون تومان برای یک خانوار بیش از سه نفر رسیدیم، البته باید در نظر گرفت اگر بخش‌های مختلف اقتصادی دولت مانند بخش مسکن، وظیفه خود را به‌خوبی انجام دهد تا نیازهای جامعه برآورده شود، طبیعتاً هزینه سبد خانوار بسیار کمتر از این رقم خواهد شد، اما چون آن هزینه‌ها از طرف متولیان اقتصاد جبران نمی‌شود، طبیعتاً هزینه زندگی به این اعداد و ارقام می‌رسد.

■ **چرا معتقدید که اگر دولت وظیفه کلان خود را انجام می‌داد، سبد هزینه خانوار کمتر می‌شد؟**

به این دلیل که تامین معیشت برعهده دولت‌ها و حکومت‌هاست، اما دستمزد برعهده کارفرمایان، به عبارت دیگر، سبب معیشت و حقوق و دستمزد دو شاخصی هستند که می‌توانند جدا از هم، اما تأثیرگذار بر هم باشند. به هررو، در جلسات اول، دوستان کارگری پیشنهادهایی داشتند، بخش کارفرمایی هم بحث‌های خود را مطرح کردند، قرار شد جلسه بعدی که مبحث حقوق و دستمزد است، پیشنهادهای مختلف بحث شوند. طبیعتاً ما نماینده بخش مشاغل خرد و کوچک و متوسط هستیم و دولت نماینده بخش کلان اقتصادی است.

■ **موضع شما با دولت در یک راستاست؟**

تمرکز دولت بیشتر در بخش‌های نفت و گاز، پتروشیمی و صنایع معدنی است که این بخش‌ها دارای ارزش افزوده بالا و شرایط مناسبی هستند، اما در کسب‌وکارهای کوچک، خرد و متوسط تاب‌آوری نسبت به تحولات اقتصادی کمتر است. به همین دلیل اکنون در واحدهای متوسط و خرد، بسیاری از مشاغل، از دست رفته و بسیاری از واحدها به‌سختی به حیات خود ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی، طبیعتاً ما باید با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشور، مدلی را پیشنهاد کنیم که این واحدها بتوانند ادامه حیات بدهند، بنابراین باید موضعی اتخاذ شود که مشکلات مردم به‌صورت دائمی حل شود. از این‌رو معتقدم باید در حد نقطه تورم، دستمزدها افزایش یابد و

زاویه دید

در کسب‌وکارهای کوچک، خرد و متوسط تاب‌آوری نسبت به تحولات اقتصادی کمتر است. به همین دلیل اکنون در واحدهای متوسط و خرد، بسیاری از مشاغل، از دست رفته و بسیاری از واحدها به‌سختی به حیات خود ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی، طبیعتاً ما باید با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشور، مدلی را پیشنهاد کنیم که این واحدها بتوانند ادامه حیات بدهند



کتیو | ۰۷

دیالوگ

پرسه‌ای در ایده‌ها و اندیشه‌ها

● **ادامه از صفحه قبل**

انباشت سرمایه...

در این شرایط لازم است ابتدا سطوح دستمزدها با نرخ‌های رشد بالا و پوشش‌دهنده تورم افزایش پیدا کند، از آن طرف هم باید کاری کرد که صاحبان سرمایه با مشکلات جدی روبه‌رو نشوند. این حالت امکان‌پذیر است و راهکار این است که فضای کسب‌وکارها به‌صورت واقعی و نه با قرائت تئولیرالی و تقلیل دادن نقش و جایگاه نیروی کار بهیود یابد. به این معنا که شرایط برای انباشت سرمایه قوی و اجتماع‌گرایانه فراهم شود. در سطح کلان، یکی از راه‌حل‌ها این است که کشور ما به اقتصاد جهانی وصل شود یا شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که سرمایه‌های جهانی در کشور ما حضوری قوی داشته باشند که اگر چنین شود مدیریت‌های بنگاه‌داری و سرمایه‌گذاری کشور اصلاح و جلو ائتلاف منابع گرفته می‌شود، بهره‌وری بالا می‌رود و متناسب با افزایش بهره‌وری، دستمزدها بالا می‌رود و در نهایت نیز افزایش دستمزدها از محل رشد قابل توجه تولید پاسخ داده می‌شود.

گرچه از منظر اخلاقی بر لزوم تقویت معیشت نیروی کار از طریق بهبود حداقل دستمزد صحبت می‌شود، از نظر فنی نیز این بحث موردتوجه است. «جان مینارد کینز» در چارچوب نظریه «مدیریت تقاضای موثر» در این باره بحث کرده و گفته، افزایش دستمزدهای واقعی و تقویت قدرت خرید صرف‌نظر از اینکه بحثی مرتبط با عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی است، از منطری دیگر هم حائز اهمیت است و آن چیزی جز پیشگیری از افتادن اقتصاد در رکود بیشتر نیست، یعنی هرقدر نابرابری بیشتر باشد، احتمال اینکه ظرفیت‌های تولیدی شکل گرفته با کمبود تقاضا در طرف تقاضا روبه‌رو شود، بالاتر می‌رود، بنابراین برای پیشگیری از درافتادن اقتصاد در رکود، راهکار اساسی این است که میان درآمدهای دستمزدی و درآمدهای سرمایه‌ای همگرایی ایجاد شود و صاحبان سرمایه نیز به این درک برسند که چنین حالتی در بلندمدت و میان‌مدت به سود آن‌هاست.

از این نظر باید گفت نرخ‌گذاری دستمزدها باید به‌شکلی واقعی و منطبق با واقعیت‌ها انجام شود. طرف دیگر ماجرا نظام «مالیات‌دهی پیشرفته تصاعدی» است، یعنی بحث دستمزدهای اسمی در درآمدهای اولیه است و از آن طرف نیز بحث نظام مالیات‌دهی پیشرفت تصاعدی است که درآمدهای سرمایه‌ای را کنترل کند و در کنار آن نیز صندوقی وجود داشته باشد که از محل آن پرداخت‌هایی به اقشار فقیر، کم‌درآمد و آسیب‌پذیر ارائه کند تا از طریق درآمدهای ثانویه‌ای که ایجاد می‌کند، مجموع درآمدهای اولیه و ثانویه را به سطح قابل قبول ارتقا دهد. «توماس پیکتی» در کتاب «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» می‌گوید اگر نرخ رشد بارزدهی سرمایه و ثروت بیش از نرخ رشد اقتصادی باشد، به‌طور حتم توزیع ثروت و درآمد نابرابرتر می‌شود و برای جلوگیری از این حالت باید نظام مالیاتی پیشرفته تصاعدی وجود داشته باشد، بنابراین ما با دو بحث روبه‌رو هستیم:

اول اینکه بحث تعدیل دستمزدهای اسمی متناسب با نرخ تورم، نیاز اولیه است و در کنار آن نیز نظام مالیات‌دهی پیشرفته تصاعدی باید وجود داشته باشد که ما در هر دو زمینه اشکالات اساسی داریم.

اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی (این گفتار بخشی از نشستی تخصصی به نام «بیم و امیدهای حداقل: حداقل دستمزد برای تامین معیشت و تداوم اشتغال» است که موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی برگزار کرد)



عکس: شادی با راجپال

آهنی‌ها: در حد نقطه تورم، دستمزدها افزایش یابد و بن کالاهای اساسی که کارفرما می‌دهد، در یک حساب‌واریز و با ارز ۴۲۰۰ تومانی تامین و میان کارگران توزیع شود.

آنان هیچ مسئولیتی در این موضوع ندارند. این موضوع به شورای عالی کار که متشکل از شرکای اجتماعی است، مربوط می‌شود.

■ **اشاره کردید که دستمزد باید به‌گونه‌ای تعیین شود که هم کارگاه‌ها حفظ شوند و هم کارگران بتوانند زندگی خوبی داشته باشند. با توجه به این ویژگی، محدوده افزایش دستمزد چقدر باشد مناسب می‌دانید؟**

کارگران بخش کلیدی و مهم تولید و بازاری کارفرما و جزء خانواده آنان هستند. هر دو این بخش‌ها به‌رغم فشارهای سنگین برای کاهش تولید یا تعطیلی واحدها، ایستاده‌اند تا تولید حفظ شود. ما هم معتقدیم باید شرایط زندگی کارگران مطلوب باشد. اما در نظام اسلامی، حکومت وظیفه دارد بستری ایجاد کند تا همه مردم از جمله کارگران شرایط زندگی مطلوبی داشته باشند. اما امروز با فشار دشمنان برای ناکامی اقتصادی ما، باید به‌گونه‌ای تلاش کنیم که هم خسران و ضرری متوجه کارگر و کارفرما نشود و هم واحدها به فعالیت خود ادامه دهند. از این‌رو برای رسیدگی به معیشت کارگران، نباید سیاستی اتخاذ کرد که پس از مدتی، به تعدادی پول داده شود، اما در مقابل تعدادی هم بیکار شوند.

■ **بعضا کاگران گالایه می‌کنند بخش دولتی و کارفرمایی در یک جبهه هستند و اهداف هم‌سویی دارند، اما بخش کارگری تنهاست.**

در پاسخ باید پرسید آیا سال گذشته که تورم هشت درصد بود، افزایش دستمزدها ۲۰ درصد نبود، یا سال پیش از آن هم به همین ترتیب نبود؟ بنابراین این سخن مقداری دور از واقعیت است. ما نمایندگان واحدهای کوچک و متوسط، معتقدیم نیروی انسانی جزء خانواده ماست و همواره تلاش کردیم نیازهای بخش کارگری و نیاز به اشتغال را در عین تاب‌آوری واحدها لحاظ کنیم، بنابراین هرکس از زاویه خود به مسئله نگاه می‌کند، در حالی که ما ناچاریم برای مدیریت بهتر این مسئله، نگاه جامع و با شمول داشته باشیم، بنابراین در شورای عالی کار که یک نهاد ملی است، همواره سعی کرده‌ایم نگاه ملی داشته باشیم و تصمیم‌های ما نیز ملی باشد تا بتوانیم برای آحاد مردم تصمیم منطقی و